نگاهی تاریخی به زمین های سرخپوستان و توسعه صنعت نفت در آمریکا

تحدید سرخ برای طلای سیاه

۲۴ ژانویه سال ۱۸۵۹ میلادی در ایالت پنسیلوانیای آمریکا، تاریخ نفت جهان آغاز شد. دنیا به ماده ای دست یافت که به صنایع جانی دیگر داد، فناوری را گسترده تر از هر زمان دیگری واندگر چهره جهان را دگرگون کرد. کم کم رقابت بر سر نفت بیشتر موجب اتحاد سیاست های نوین، جنگ ها، صلح ها، قراردادها و سویه های جدیدی در اقتصاد شد که از آن نه به یک دگرگونی بلکه از آن به انقلابی عمیق در عصر جدید یاد می کنند. صاحبان نفت و فعالان آن در سراسر دنیا کوشیدند تا مزاحمان دستیابی به نفت را به هر شکل و شمایلی و در هر قاب و قالبی بود، کنار بزنند و از جمله این مزاحمان برای نخستین سرزمینی که نفت در آن کشف شده بود، صاحبان اصلی آن، یعنی سرخپوستان بودند.

مشعل | نفت اگر چه در دنیا هنوز ۱۵۰ سال نیست که راهش را آغاز کرده، اما در این مدت یک و نیم قرن تحولات بسیار زیادی را به وجود آورده است. اگر چه تاریخ نفت خاورمیانه از ایران آغاز شد، اما تاریخ نفت جهان از آمریکا آغاز شد. آمریکایی ها جالش های بسیار زیادی برای توسعه نفت داشتند و یکی از مهم ترین جالش های آنها زمین های سرخپوست ها بود. زمین های صاحبان اصلی قاره آمریکا که به هر ضرب وزوری بود برای توسعه نفت ورسیدن هر چه بیشتر به طلای سیاه بود، موجب مرگ آنها شد. البته دلایل از بین بردن سرخپوستان زیاد بود اما نفت هم بهانه ای دیگر محسوب می شد. در مطلب پیش رو نگاهی کوتاه داریم به نحوه استفاده از زمین های سرخپوستان آمریکا، برای کشف واستخراج نفت و توسعه این صنعت عظیم.

نزاع پنهان

سرخپوستان تا وقتی که نفت کشف شود، عموما قلع و قمع شده بودند. آنها به طور «محدودترین» در سرزمین خودشان سکونت می کردند و بعد از جنگ و جدال هایی فراوان به اندک سرزمین هایشان رضایت داده بودند. مشکل اصلی آنجا بود که نفت در همان اندک سرزمین هایشان کشف شده بود و حالا بعد از دوست سال زد و خورد با سفیدهای مهاجر، دوباره وارد یک چالش جدید شده بودند. قبایل از هم گسیخته و خسته از تنش ها و کشتارها باید وارد یک کارزار قانونی و حقوقی می شدند که نتیجه آن کاملا از قبل مشخص و معلوم بود. برنارد مومر در کتاب «نفت و حاکمیت ملی» در این باره آورده است: «زمین ها و اراضی سرخپوستان از جنبه تولید نفت حائز اهمیت بود و مثلا اکثر حوزه‌های عظیم نفتی اوکلاهما در اراضی سرخپوستان کشف شده‌اند. از آنجا که سرخپوستان تحت حمایت دولت مرکزی قرار داشتند، اداره امور این بخش از اراضی مستقیما از طریق احکام قانونی دولت مرکزی یا معاهده‌ها و موافقت‌نامه‌های منعقده در چارچوب مفاد قوانین دولت مرکزی اداره می‌شد. به این ترتیب، اولین مورد قراردادهای اجاره نفتی که دولت امریکا با آنها سروکار داشت، مربوط به منابع نفتی موجود در سرزمین‌های سرخپوستان بود. در سال ۱۸۹۱ قانونی به تصویب رسید که به شوراهای سرخپوستی اجازه می‌داد، آن بخش از اراضی مازاد بر نیاز کشاورزی خود را فقط برای مدت ۱۰ سال و براساس شرایط مشخص شده توسط نماینده مسوول منطقه حفاظت شده و با تایید وزیر کشور، برای فعالیت‌های معدنی اجاره دهند. ولی اینگونه شوراها همیشه در دسترس نبود. مثلا زمانی که شرکت‌های نفتی به زمین‌های سرخپوستان تاوایو علاقه‌مند شدند، گروههایی قبیله‌ای این سرخپوستان برگزار نشد. این قبیله که در سال ۱۹۲۱ وجود نداشت، در سال ۱۹۲۳ شورای قبیله‌ای تاوایو را تشکیل داد و دولت بر اولین جلسه واگذاری قراردادهای اجاره‌ای نفتی در منطقه حفاظت شده مربوط به آنها نظارت کرد. بالاخره شرکت‌های نفتی موفق شدند اراده و خواست خود را بر تاوایوها تحمیل کنند. در واقع، به اتفاق دولت مرکزی، آن سان قدرت بلامنازع حاکمیتی را تشکیل داده بودند تا امتیازات مربوط به این اراضی را در اختیار گیرند، در حالی که دولت مرکزی تا قبل از آن، اعمال اینگونه اختیارات را محدود ساخته بود. با این وصف، همین شورا هسته اصلی ملت آتی تاوایو را تشکیل داد».

سرخپوستان خوش اقبال

با چارچوب های سفت و سخت حقوقی که آمریکایی ها قرارداده بودند، بالاخره سرخپوستان هم اندکی منتفع شدند و مدتی را اجاره بهره مالکانه گرفتند اما با گذشت زمان و کشف نفت بیشتر هر روز و هر ماه و هر سال، زمین های سرخپوستان بیشتر آب می رفت و کوچک می شد. برنارد مومر در کتاب «نفت و حاکمیت ملی» در این باره آورده است: «سرزمین‌های سرخپوستان در ابتدا مایملک جمعی و مشترک قبایل به حساب می آمد. اما در اواخر قرن نوزدهم، عمدتا به املاک بخش خصوصی تبدیل شد که به استثنای زمین‌های برخی قبایل مانند سرخپوستان تاوایو و اوسیج، مالکیت معدنی را نیز دربر می گرفت. در اینگونه موارد خاص، به جای مشتی از افراد خوش اقبال، این قبایل بودند که از ثروت نفتی سرزمین‌های خود بهره‌مند می‌شدند. خوش اقبال ترین سرخپوستان، قبیله اوسیج بود که تمام زمین‌های خود را به مساحت ۵/۱ میلیون جریب یا ۶۰۷۰ کیلومترمربع در سال ۱۸۹۶ در ازای بهره مالکانه ۱۰ درصدی اجاره دادند. ۱۰ سال بعد که زمان تمدید قرارداد فرارسید، مساحت زمین‌هایشان کاهش یافته و میزان بهره مالکانه قابل پرداخت به یک‌هشتم افزایش یافته بود و همین نرخ بهره مالکانه در مورد قراردادهای اجاره جدید اعمال می‌شد. این نوع قراردادهای اجاره، زمین‌های گسترده‌ای به مساحت ۶۸۰ هزار جریب یا ۲۷۵۲ کیلومترمربع و ۲۵۰ هزار جریب یا ۱۴۱۶ کیلومترمربع را دربر می‌گرفت. علاوه بر این، اراضی اول مجددا به شرکت اجاره‌کننده دیگری به نرخ بهره مالکانه یک‌ششم واگذار شد. سپس در سال ۱۹۱۵، شورای قبیله اوسیج در زمینه عقد قراردادهای اجاره سیاست جدیدی را تصویب کرد. بر همان اساس، قراردادهای اجاره قبلی قابل تمدید نبود و قراردادهای جدید به قطعه زمین‌های ۲۸۰۰ جریبی (۱۱/۴ کیلومترمربع) تخصیص می‌یافت که مستقیما و پس از تصویب وزیر کشور، به شرکت‌های نفتی که در آنها مشغول به کار می‌شدند، فروخته می‌شد. گذشته از این، در قراردادهای جدید، اجاره‌بهای سالانه یک دلار در هر جریب در نظر گرفته شده بود- در حالی که تا قبل از آن هیچ اجاره‌بهایی پرداخت نمی‌شد- و میزان بهره مالکانه یک‌ششمی تا یک‌پنجمی برای زمین‌هایی در نظر گرفته شده که میانگین تولید روزانه هر چاه نفت در آنجا به یک‌صد بشکه یا بیشتر می‌رسید. برای آنها، این آخرین قرصنی به شمار می آمد که می‌توانستند با استفاده از قسخ یا تمدید قرارداده اجاره، رانت‌ها و بهره مالکانه قابل دریافت را افزایش دهند. براساس قانون ۱۹۲۴ اجاره نفت سرخپوستان، زمان اجاره حتی در زمین‌های سرخپوستان برای مدت نامعلوم و تا زمانی که نفت و گاز در مقادیر قابل توجه تولید شود، تمدید شد. سرخپوستان اوسیج که در سایه مالکیت دولتی در مقایسه با دیگر قبایل سرخپوست یک هشتمی را دریافت می کردند، از وضع بهتری برخوردار بودند. قبیله تاوایو هم توانستند در سال ۱۹۷۵ زمینه را برای انعقاد مجدد قراردادهای اجاره مربوط به خود فراهم ساخته و بهره مالکانه یک‌ششمی را دریافت کنند. پس از دهه ۱۹۵۰، بهره مالکانه یک‌ششم به بهره مالکانه عرفی در قراردادهای اجاره جدید زمین‌های سرخپوستی تبدیل شد، ولی نرخ بهره مالکانه با توجه به شرایط، بین یک‌ششم و یک‌سوم در نغییر بود».

نفت و تنها قبیله

در میان انبوهی از قواعد و قوانین تنها یک قبیله سرخپوستان بود که توانست تا حدودی خودش را از گزند شرکت های نفتی برهاند و به عنوان یک قبیله خوب، به اندکی سود برسد. برنارد مومر در کتاب «نفت و حاکمیت ملی» در این باره آورده است: «سرخپوستان قبیله اوسیج در زمینه قراردادهای اجاره نفتی، از اختیارات نظارتی منحصر به فردی برخوردار بودند. وزارت کشور، خدمات ستادی و پشتیبانی موردنیاز را ارائه می‌کند و به دلیل وجود اختیارات و قدرت نظارتی قبیله‌ای، مشکلات سوءمدیریتی موجود در قلمرو سایر قبایل، در حیطه تحت کنترل این قبیله وجود نداشته است. در واقع می توان گفت که سرخپوستان اوسیج، نخستین انگاره موفق مدیریت عمومی بر زمین‌های نفت و گازخیز امریکا را اعمال کرده‌اند».

منبع:
کتاب «نفت و حاکمیت ملی» نوشته برنارد مومر
ترجمه علیرضا حمیدی یونسی.